



اربعین در شکل‌دهی به تمدن و همگرایی انسان‌ها اثرگذار است

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی ضمن تعریف تمدن به عنوان تلاش برای همگرایی حداکثری انسان‌ها گفت:

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی ضمن تعریف تمدن به عنوان تلاش برای همگرایی حداکثری انسان‌ها گفت: راهپیمایی اربعین از این نظر که یک آرامش جمعی ایجاد می‌کند و نوعی همبستگی ملی پدید می‌آورد، می‌تواند مثل هر سنت اجتماعی دیگری در مسیر همگرایی حداکثری آدمیان اثرگذار باشد و از این منظر وجهی تمدنی خواهد داشت.

پیاده روی اربعین رویدادی مهم و اثرگذار در حوزه آئین‌ها و مناسک دینی شیعیان به شمار می‌آید. بی‌گمان این رویداد فراگیر مانند هر پدیده فرهنگی و اجتماعی دیگری آستان فرصت‌هایی است و در معرض آسیب‌هایی قرار دارد که باید به مطالعه آنها پرداخت.

خوشبختانه مطالعات انتقادی درباره اربعین همگام با گسترش این رویداد شکل گرفته و کارشناسان و جامعه‌شناسانی که دغدغه دینی دارند آثاری را از خود به جا گذاشته‌اند. یکی از منظرهایی که باید مورد خوانش انتقادی قرار گیرد، نگاه به پیاده روی اربعین به مثابه یک حرکت تمدنی است.

به همین منظور خبرنگار ایکننا با سیدعلیرضا واسعی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، گفت‌وگو کرده است که حاصل آن را در ادامه می‌خوانیم:

ایکننا - اربعین و حفظ شعائر و مناسک حسینی به منظور پاسداشت تشیع و ارزش‌ها و پیام‌های حرکت امام حسین(ع) چه اهمیتی دارد؟

امام حسین(ع) به عنوان نماد تشیع در دنیای کنونی شناخته شده و تعدادی از محققان غیرشیعی آغاز تشیع را با حرکت امام حسین(ع) پیوند می‌زنند؛ گویی تشیع از زمانی شکل گرفت و تکون پیدا کرد که شهادت امام حسین(ع) رقم خورد. اگر شیعه چنین دیدگاهی را نپذیرد که نمی‌پذیرد، در اهمیت جایگاه امام حسین(ع) تردیدی به خودش راه نمی‌دهد، یعنی کسی در اینکه امام حسین(ع) همچون نمادی در فرهنگ شیعی شناخته شده است تردید ندارد.

امام حسین(ع) ویژگی‌های بسیاری دارند و از فلسفه اعتراض ایشان تحلیل‌های مختلفی صورت گرفته است، ولی به دو ویژگی قیام ایشان اشاره می‌کنم که پایه و اساس حرکتشان است؛ یکی ایثارگری به مثابه امری تمدنی است. در مفهوم عام انسان برای نجات و کمک و آزادی دیگری یا در مفهوم امروزی تر با از خودگذشتگی حقوق دیگری را تأمین کند. بی‌تردید امام حسین(ع) یک ایثارگر بود و ویژگی ایثارگری در او برجسته است. اگر همه خصوصیات دیگر را در کنار این خصوصیت بگذاریم، کوچک دیده می‌شوند، چون عظیم‌ترین ویژگی اخلاقی حرکت امام حسین(ع) ایثارگری و از خودگذشتگی و دیگربرترنشانی یا دیگری را مهم‌تر از خویشستن دیدن و خود را برای دیگری هزینه کردن است. پس همراهی نکردن او با دستگاه خلافت یا عدم بیعت به منظور رسیدن به مال و منال و پست و مقام نبود.

ویژگی دوم امام(ع) که بسیار اهمیت دارد شریعت‌مداری است. امام در تمامی مراحل زندگی اش از یک چیز فاصله نگرفت و آن پایبندی به دین و شریعت است. کسی نمی‌تواند در این شاخصه امام تردید کند که در زندگی اش یک انسان پاک‌باخته دینی و شریعت‌مدار واقعی بود. کاری را برخلاف شریعت و خوشایند دیگران انجام نمی‌داد و وقتی که ایثار می‌کرد برای به دست آوردن دلی نبود، بلکه انسانیت دینی او یا پایبندی به عقاید الهی، ایشان را به چنین کنشی وامی‌داشت. پس حفظ شعارهای امام با برگزاری شعائر امری منطقی، معقول و حتی ضروری است؛ زمانی که انسان با دغدغه تشیع به عنوان اسلام‌راستین، شعار امام را به مثابه الگویی برای زیستن متعالی خودش برگزیند و شعائری را برای حفظ آن شعارها در نظر بگیرد، کاری بایسته و مهم است، اما اگر به هر دلیلی شعائری رسمیت یابد که حامل شعارهای حسینی نباشد یا آنها را به ذهن متبادر نسازد، ارج و منزلتی نخواهد یافت.

در نگاه کلان، هدف از بزرگداشت اربعین به پا داشتن شعائر و حفظ و ترویج شعارهای حسینی است و اگر این شعائر با آن شعار همراه نباشد، امری غیرحسینی است. بنابراین بزرگداشت اربعین اهمیت بسزایی دارد، چنانکه دیگر شعائر حسینی چنین است، اما وقتی که بزرگداشت اربعین با پیاده روی همراه باشد، افراد بسیاری برای حضور در آن اعلام آمادگی می‌کنند.

ایکنا - در متون و مستندات دینی درباره اربعین به ویژه پیاده روی اربعین چه اشاراتی وجود دارد؟

در متون دینی مقوله اربعین همانند امروز مد نظر قرار نگرفته است. البته شیعیانی در دوران ائمه خصوصاً در دوره امام صادق (ع) پرس وجو می کردند که آیا باید در اربعین کار خاصی را انجام دهیم و امام در پاسخ فرمودند که در اربعین سلامی به امام حسین (ع) داده شود یا به پشت بام خانه بروید و زیارتی برای آن حضرت داشته باشید و این امر بر یادکرد امام حسین (ع) تأکید می کند. روایات کمی درباره محرک یا انگیزه ساز بودن چنین عملی وجود دارد. البته اگر همان تعداد اندک از اعتبار سندی و وثاقت لازم برخوردار باشند.

در مراسم اربعین چهره عالم و متفکر سرشناس دینی یا فقیه بزرگی دیده نمی شود. روح برآمده از روایات این است که برگزاری شعائر حسینی برای حفظ شعارهای امام (ع) ارزشمند است. بنابراین اربعین به معنای اینکه یاد و خاطره امام زنده نگه داشته شود، مقوله ای مهم و مستند به داده های مذهبی است اما نه به تأکید؛ یعنی طبق متون دینی، نام و یاد امام حسین (ع) را باید زنده نگه داشت، ولی از چه طریق و روش هایی محل بحث است و چه بسا تابع زمان و اقتضات متغیر باشد.

ایکنا - آیا می توان بین پیاده روی اربعین و مسئله تمدن ارتباطی برقرار کرد؟ در سال های اخیر تحلیل های مختلفی مطرح شده و برخی با جدیت از آن دفاع می کنند و می گویند که پیاده روی اربعین یک پدیده تمدن ساز است و مولفه های تمدنی آن را برمی شمارند. دیدگاه شما چیست؟

بی گمان انجام کارهای اجتماعی پیامدهای تمدنی دارد. البته تمدن معانی بسیاری دارد و افرادی که از این واژه استفاده می کنند باید معنای مد نظرشان را بیان کنند، چون در کاربردهای رایج، وقتی سخن از تمدن به میان می آید، اذهان آدمیان بیش از هر چیزی به سمت دستاوردهای اجتماعی می رود مثل علم، مدیریت سیاسی، صنعت، تکنولوژی و هنر. اگر تمدن را به این معنا بدانیم، پیاده روی اربعین نمی تواند با تمدن ارتباط برقرار کند مگر بسیار اندک و سطحی، مثل اینکه بگوییم این عمل موجب شده است که موبک هایی برپا، خیابان هایی ساخته یا امکانات رفاهی فراهم شود یا مدیریت هایی صورت گیرد که همه این ها در مقابل رشد رعدآسای مظاهر تمدن در دنیای معاصر عددی به شمار نمی آید.

یک معنای مهم تمدن، که با آن همسو هستیم، یعنی آن معنایی که آثار اشاره شده از آن برمی خیزد و منشأ همه دستاوردهای بشری است، تلاش برای همگرایی حداکثری انسان ها یا ساختن نوعی از زندگی است که در آن انسان ها به صورت برابر و آزادانه زندگی می کنند. این معنای ذاتی یا اصلی تمدن است، چون در چنین جامعه ای هموندان به مانند اعضای یک خانواده در کنار یک دیگر زندگی می کنند. به تعبیر شهید مطهری، خود انسانی گسترش می یابد و از خانواده و خویشاوند و قوم و قبیله و ملت و هم کیش فراتر می رود و همه انسان ها را دربرمی گیرد. طبق این معنای تمدن، پیاده روی اربعین اهمیت بسیاری دارد، مشروط بر اینکه اولاً، برای همگان باشد نه قشر خاصی و ثانیاً، اربعین از روی معرفت، شناخت و آگاهی باشد نه صرفاً برگزاری سنت و مراسم یا سرگرمی یا با امنیت و بهداشت و سلامت در تعارض باشد یا خلاف سرمایه اجتماعی یا خلاف اتحاد ملی باشد.

از این نظر که راهپیمایی اربعین آرامش جمعی ایجاد می کند و همبستگی ملی پدید می آورد، می تواند مثل هر سنت اجتماعی دیگری مانند اعیاد مذهبی و ملی در مسیر همگرایی حداکثری آدمیان اثرگذار باشد، بدان شرط که به لحاظ محتوا به اهداف تمدنی معطوف باشد و مناسبات حاکم بر آن، چه در داخل ایران و چه در خارج، مایه دلزدگی، رنجش یا شرمندگی و حس حقارت عده ای نشود و مرزبندی ارزشی پدید نیاورد؛ یعنی افرادی که در این مراسم مشارکت می کنند برتری ارزشی و توفیق دینی را برای خود در نظر نگیرند. بارها در سازمان ها افرادی که در این راهپیمایی شرکت کرده اند ابراز توفیق می کنند و آنانی که به هر دلیلی در آن حضور نیافته اند، ناخواسته احساس سرشکستگی می کنند. پس اربعین و هر عمل اجتماعی دیگری می تواند در مسیر شکل دهی به تمدن، همگرایی حداکثری انسان ها، اثرگذار باشد، اما می تواند جنبه های منفی هم داشته باشد و آن زمانی است که از نظر محتوا موجب توهین و تحقیر ملی یا رنجش دیگران شود.

ایکنا - برخی افراد کارکردهای متعددی را برای این مراسم برمی شمارند. برخی نیز نگاه تقلیل گرایانه دارند و آن را صرفاً یک رویداد آئینی و سنتی می دانند. اگر نگاه واقع بینانه داشته باشیم، این رویداد چه ظرفیت های فرهنگی را ایجاد می کند تا برنامه ریزان فرهنگی از آن استفاده کنند؟

با دولتی شدن چنین سنت هایی مخالفم، نه اینکه معتقد به حکومت سکولار باشم، اما مسائل مذهبی را باید جزء فرهنگ جامعه دانست نه سیاست. پیاده روی اربعین پشتوانه های تبلیغی بسیار گسترده ای از سوی حکومت پیدا کرده است که ظرفیت اربعین را زیر سؤال می برد. اربعین مثل بسیاری از فعالیت های اجتماعی یا کنشگری های جمعی چون از چاشنی مذهب

و عقاید برخوردار است و می تواند در زندگی انسانی اثرگذار باشد، مشروط به اینکه این سنت یا مراسم به صورت صحیح، اصولی و مبتنی بر باورهای عمومی مردم باشد نه تبلیغات سیاسی. اگر به درستی برگزار شود، می تواند اثرگذار باشد، ولی با نگاه به وضع موجود، انسان احساس می کند که مراسم اثرگذاری لازم را ندارد یا برای اثرگذاری مذهبی برگزار نمی شود، بلکه اهداف سیاسی مد نظر است.

در دیانت ما یک حرکت عظیم دینی وجود دارد که در مراسم حج تجلی پیدا می کند. در بسیاری از مناسک حج مانند طواف و عرفات با چنین حرکت جمعی تمدنی مواجهیم. برخی پیاده روی اربعین را نوعی رقابت با آن مراسم نشان می دهند که ظرفیت سوزی عجیبی است. این تلقی که اربعین برای ما و حج متعلق به دیگران است، خیانت به تفکر شیعی محسوب می شود. اربعین نباید در تقابل با حج پیش برود. گاهی نگاه ها و فلسفه بافی های غلط فرصت سوزی می کند و ظرفیت ها را از بین می برد.

تعدادی از برادران اهل سنت یا غیرشیعه از این زاویه به شیعه انتقاد می کنند که تا حدی وارد است، چون ما به عنوان شیعه تندروی ها، تقابل سازی ها و مرزبندی هایی کرده ایم که با رویکرد تمدنی فاصله دارد. این را یک خطر بسیار بزرگ برای آینده جامعه شیعی می دانم و چنین مرزبندی هایی به تقابل درون مذهبی می انجامد. چنانکه در چند سال اخیر در این مراسم شیعیان اسماعیلی خودشان را متمایز و بهتر از شیعیان امامیه نشان می دهند و این حرکت، اقدام سودمندی برای شیعه و جهان اسلام نیست. باید ظرفیت ها را شناسایی کرد و اصولی پیش رفت و شعائر را معطوف به شعارها سامان داد و به افرادی که نگاه اقتصادی یا سیاسی دارند تریبون نداد. همچنین، بهره گیری از امکانات دولتی و ایجاد فرصت های تشویقی اداری برای افراد به ظاهر حرکتی در مسیر گسترش شعائر حسینی است، اما در واقع مسیر کژی است که به نفع مذهب و مملکت و مردم نخواهد بود. آسیب شناسی اربعین یک ضرورت است، هر چند شاید برای برخی پیشنهاد خوشایندی نباشد.